

شهروند| حدود یک ماه و نیم است آسفالت جلوی ورودی پارک نصرت ابراهیم آباد نشست کرده و هیچ کس به فکر نیست! اگر بالا شهر بود باز هم مسئولان نادیده می گرفتند؟



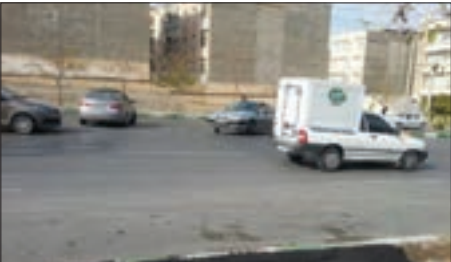
شهروند| نه به وانت!



روح... جعفریان! ایستگاه تاکسی چهارراه دکترا در فرق قانون شکنان!



نسرین ابادریان! برای دوربر گردان هاشمیہ ۷۳ چراغ راهنمایی نصب کنید، شب‌ها دورزدن ماشین‌ها خطرناک است.



شهروند| این چاله در توس ۴۱ درودی ۷ وسط چهارراه است! اگر یک موتوری بیفتد داخلش سالم در نمی آید.



شهروند| اداره پست مرکزی و تعدد مراجعه کننده و تعداد کم باجه‌های پاسخگو؛ فقط ۲ باجه برای ارسال فعال بود.



معتادان پارک اقا قیاج جمع‌آوری شدند

بینا پیرانی! پارک اقا قیاج فاز ۱، در خیابان طبرسی شمالی ۱۳، محل زندگی کارتن خواب‌ها شده. هر روز هم تعدادشان بیشتر می شود. رسیدگی کنید.



شهرداری منطقه ۱۴ براساس هماهنگی انجام شده با همکاران خانه سبز نسبت به جمع‌آوری اقدام شد. لازم به ذکر است در صورت مشاهده چنین مواردی شهروندان محترم می‌توانند با مرکز ۱۳۷ تماس بگیرند.

منشور حقوق و مسئولیت های شهرونی شهر مشهد (۹۷)

فصل یازدهم: حق بر محیط زیست

۱-۱۱- حفاظت و نگهداری

۱۳۹۰ مدیر شهری موظف است در همکاری باشهروندان نسبت به ترویج و توسعه استفاده از انرژی های تجدیدپذیر، اصلاح الگوی مصرف، جمع آوری بهداشتی پسماند و پساب، کاهش آلودگی ها (آب، خاک، هوا، نور، صدا)، اقدام نماید.

برای مطالعه کامل منشور حقوق و مسئولیت های شهرونی شهر مشهد کد یوز را اسکن کنید



گزیده وصیت نامه شهید:

... اگر روزی من هم شهید شدم -گرچه این را در خود نمی بینم- باید خوشحال باشید که در این زمان، همچون یاران حسین(ع) در دشت کربلای ایران، از دنیا رفته‌ام. اما قبل از این چند سخن با شما دارم... نسبت به همسایگان و مسلمین خوش رفتار و با صداقت عمل کنید، در اجتماعات مسلمین شرکت نموده و از تفرقه و جدایی بپرهیزید، هیچ گاه خدا را از یاد نبرده و روز قیامت را به خاطر آورید، در برابر ظلم قیام کنید و در برابر حق سر تسلیم فرود آورید... هرگز دشمنان بین شما تفرقه نیندازند و شما را از روحانیت متعهد جدا نکنند که اگر چنین کردند روز بدبختی مسلمانان و روز جشن ابرقدرت هاست...



انجام وظیفه هستیم. افتخار می کنم که خدمتی برای بچه‌ها انجام دهم. آدم هرچه خدمت اهل سنگر را بکند، باز هم کم است.

ایشان در آن زمان فرمانده توپخانه تیپ ۲۱ امام(رضاع) بودند.

● **محمدتقی نورانی** شده بود **علی پاشایی، هم‌رمز شهید:**

«فلانی نورانی شدی؛ مهلتت سر رسیده.» این تکیه کلام در جبهه بینمان مرسوم بود. گرچه آقای مددی با آن چهره آرام و زیبایش همیشه برایمان نورانی به نظر می‌رسید، وقتی از مکه برگشت، این معنا در چهره‌اش مصداق حقیقی پیدا کرده بود. در

هستیم، اما شب عملیات در خط مقدم نبوده‌ایم. ما را هم این بار با خودتان ببرید. در جواب گفت: اینجا واجب‌تر است. به وجود شما احتیاج دارند. سماجت من تأثیرش را گذاشت. وضو گرفتم که نماز بخوانم. ناگهان سنگرمان خیمه‌ها خورد و مجروح شدم. حاج مددی به سرعت خودش را بالای سرم رساند. هماهنگ کرد تا مرا به عقب ببرند. حسرت به دل گفتم؛ حاجی پس عملیات چه آخر مرا با خودت نگیری. برادر مددی به لیختنی شیرین، دست به صورتم کشید و گفت: برو در پناه خدا.



۳۰ آبان ۱۳۶۶

منطقه عملیات: شمالغرب-زاخو
نوع یا نام عملیات: فتح ۳
یگان‌های شرکت کننده: سپاه
نتیجه عملیات: وارد کردن خسارات و تلفات به دشمن. دقیقاً یکسال بعد ارتش و سپاه در دهوک (همین محدوده) عملیات ظفر ۴ را به صورت مشترک اجرا کردند و خساراتی به دشمن زدند.

۲۹ آبان ۱۳۶۵

منطقه عملیات: شمالغرب-ماووت
نوع یا نام عملیات: نصرة یا محمد ابن عبدالله (ص)
یگان‌های شرکت کننده: ارتش و ژاندارمری و سپاه
نتیجه عملیات: تصرف ارتفاع کرده رش ۲۰۰میر ۳۰۰ کشته و زخمی و انهدام ۱۳ دستگاه تانک و ۵ قیضه توپ ۴۰ دستگاه خودرو و غنیمت ۵ دستگاه تانک و نفربر، ۲۱ دستگاه انواع خودرو

۲۹ آبان ۱۳۶۶

منطقه عملیات: شمالغرب-ماووت
نوع یا نام عملیات: نصرة یا محمد ابن عبدالله (ص)
یگان‌های شرکت کننده: ارتش و ژاندارمری و سپاه
نتیجه عملیات: تصرف ارتفاع کرده رش ۲۰۰میر ۳۰۰ کشته و زخمی و انهدام ۱۳ دستگاه تانک و ۵ قیضه توپ ۴۰ دستگاه خودرو و غنیمت ۵ دستگاه تانک و نفربر، ۲۱ دستگاه انواع خودرو

۲۸ آبان ۱۳۵۹

منطقه عملیات: جنوب-شوش
نوع یا نام عملیات: تک محدود
یگان‌های شرکت کننده: ارتش و ژاندارمری
نتیجه عملیات: یکصد نفر عراقی کشته و زخمی شده و تعدادی سنگر منهدم شد. در همین روز سپاه نیز تک ایذایی را در سوسنگرد انجام داد و به دشمن خساراتی وارد کرد.

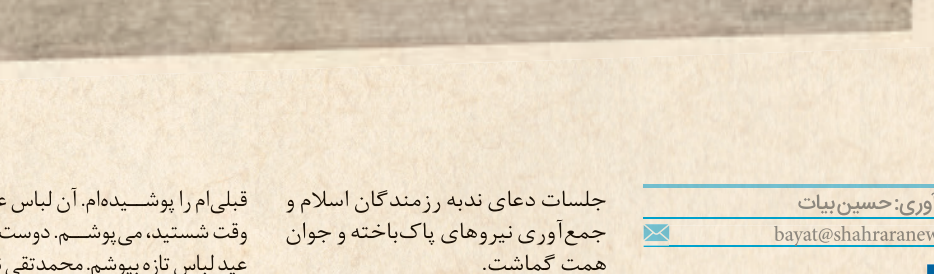
۲۸ آبان ۱۳۵۹

منطقه عملیات: غرب-سومار
نوع یا نام عملیات: عاشورا
یگان‌های شرکت کننده: ارتش، هواییروز و سپاه
نتیجه عملیات: ضایعات و تلفات ۶۰ تا ۷۰ درصد ۲ گردان دشمن و انهدام ۱۰ دستگاه تانک دشمن. سپاه و ارتش دو روز بعد به صورت جداگانه در اهواز و ایلام عملیات کردند.

منبع: پورتال اطلاع رسانی سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس

درس شهید محمدتقی مددی قالیباف، فرمانده توپخانه لشکر ۲۱ امام(رضاع) برای امروز ما

جانش را برای حفظ بیت المال می داد



جلسات دعای ندبه رزمندگان اسلام و جمع آوری نیروهای پاک‌باخته و جوان همت گماشت.

در سال ۱۳۶۶ از طرف سپاه به سفر حج فرستاده شد، حجی که با کشتار حاجج همراه شد اما سهم محمدتقی، شهادت در جبهه‌ها بود و بالاخره پس از پنج سال حضور مستمر، در همین سال در منطقه عملیاتی نصر ۸ به آرزویش رسید. سردار قآنی، فرمانده کتونی سپاه قدس «وجود حاج آقا مهدی را برای تیپ ۲۱ امام(رضاع) و برای جبهه اسلام، یک رحمت» می‌دانست.

● از خانواده شهدا خجالت می‌کشم

رمضان مددی قالیباف، پدر شهید:

در سال ۶۶ هم‌زمان با کشتار ایرانیان در مکه، به سفر حج مشرف شده بود. قبل از آمدنش، جلو در منزل، میز کوچکی گذاشتیم و روی آن، گلدان و قاب عکس امام(ره) را قرار دادیم. به اتفاق خانواده برای مراسم استقبال به راه‌ان رفتیم.

● بین جان و بیت‌المال دومی را انتخاب می‌کرد

محمد رضا آجیلیان، هم‌رمز شهید:

یک شب دشمن انبار مهماتمان را هدف قرار داد. خیلی از دوستان زیر آتش سنگین دشمن بودند. از طرفی مهمات خودمان منفجر می‌شد و از طرف دیگر دشمن بی‌امان منطقه را می‌کوبید. در آن موقعیت بحرانی، بر خود منطقاً برادر مددی به ما آرامش می‌داد. همه بچه‌ها را از آنجا متفرق کرد تا به ناحیه امنی پناه ببرند. حتی زمانی که هر یک در فکر نجات جان خود بودند، ایشان با حساسیت خاصی قصد خارج کردن بعضی از ادوات جنگی از تیررس دشمن را داشتند. فریاد می‌زد: حاجی! خودت را به جای امنی برسان. اما او در حالی که خمپاره‌انداز را کشان کشان حمل می‌کرد، می‌گفت: این وسایل تحویل من داده شده؛ این‌ها بیت‌المال است.

● **بنتول رستگار مقدم، مادر شهید:**

سال جدید از راه رسیده بود و همه لباس‌های نو می‌پوشیدند. فضای خانه ما هم عطر و بوی عید را گرفته بود. می‌خواستیم جایی برویم. گفتیم: محمدتقی جان، همه آماده شده‌اند؛ حاضر شدی؟ گفت «بله» اما دیدم همان لباس سال گذشته‌اش را به تن کرده. گفتم: مادر جان! وقتی گفتم حاضر شدی، یعنی لباس‌های عیدت را بپوش. می‌خواهیم برویم؛ دیر مان شدد. گفت: نه مادر، دلم نمی‌خواهد لباس تازه بپوشم. همه دوستانم که لباس نو ندارند، مگر چه اشکالی دارد؟ من هم مثل دوستانم لباس‌های

در ازدحام جمعیت به‌دنبال محمدتقی می‌گشتم، اما او را نیافتیم. آقای نزدیک آمد و گفت: حاج مددی رفتند منزل. شما اینجا منتظرش نمایشد. تصمیم گرفتیم برگردیم. وقتی به سر کوچه رسیدیم، اثری از میز و وسایلش نبود. حدس زدیم کار محمدتقی باشد. وقتی از او علت را پرسیدم، گفت: آقا جان چه کارهایی می‌کنید! من از خانواده شهدا خجالت می‌کشم. اگر در من حق می‌دادید.

● برای شهادت‌م لباس سپاه نیوشید

بنتول رستگار مقدم، مادر شهید:

سال جدید از راه رسیده بود و همه لباس‌های نو می‌پوشیدند. فضای خانه ما هم عطر و بوی عید را گرفته بود. می‌خواستیم جایی برویم. گفتیم: محمدتقی جان، همه آماده شده‌اند؛ حاضر شدی؟ گفت «بله» اما دیدم همان لباس سال گذشته‌اش را به تن کرده. گفتم: مادر جان! وقتی گفتم حاضر شدی، یعنی لباس‌های عیدت را بپوش. می‌خواهیم برویم؛ دیر مان شدد. گفت: نه مادر، دلم نمی‌خواهد لباس تازه بپوشم. همه دوستانم که لباس نو ندارند، مگر چه اشکالی دارد؟ من هم مثل دوستانم لباس‌های

زمانی که در اصفهان آموزش می‌دیدیم، مددی کمتر مرخصی می‌رفت. بیشترین وقتش را صرف مطالعه کتاب‌های فوق تخصصی توپخانه و هدایت آتش می‌کرد. مسئولیت سنگینی به او واگذار شده بود. باید گردانی را که تازه تأسیس شده بود، با حداقل امکانات راه‌اندازی می‌کرد. ماه رمضان بود. روزها روزه بودیم و دوره آموزشی سختی را پشت سر می‌گذاشتیم. بعد از پایان ماه

مردی که اهل گلا یه نبود



۲۸ آبان ۱۳۵۹

منطقه عملیات: غرب-سومار
نوع یا نام عملیات: عاشورا
یگان‌های شرکت کننده: ارتش، هواییروز و سپاه
نتیجه عملیات: ضایعات و تلفات ۶۰ تا ۷۰ درصد ۲ گردان دشمن و انهدام ۱۰ دستگاه تانک دشمن. سپاه و ارتش دو روز بعد به صورت جداگانه در اهواز و ایلام عملیات کردند.

شهید محمد قطعه‌مطلق
تولد: ۱۳۴۶/۷/۵
شهادت: ۱۳۵۹/۸/۲۶
محل شهادت: جنوب
نام گرامر: خواجه ربیع

شهید محمد قطعه‌مطلق
تولد: ۱۳۴۶/۷/۵
شهادت: ۱۳۵۹/۸/۲۶
محل شهادت: جنوب
نام گرامر: خواجه ربیع

منبع: پورتال اطلاع رسانی سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس